



عکس: ایسنا

گزارش «ایران» از دلایل تخرید زنان

خانه‌های تک نفره

پرسنور فیهی
خبرنگار

انتخاب تخرید قطعی در میان زنان چالشی جدید و البته نوپدید در جوامع امروزی است. هر چند هیچ موضوعی در زندگی بشر قطعی نیست و بسیاری از تصمیمات قطعی در زندگی مابا وجود بافشاری های مکرر باز هم در شرایط خاص محکوم به تغییر هستند اما هنگامی که از تخرید قطعی برخی زنان سخن به میان می آید ناخود آگاه درنگ می کنیم. مرور بر داشته های فرهنگی و تجارب گذشته گنگان، ماراد برابر سوالات بسیاری قرار خواهد داد. چگونه ممکن است در جامعه ای که از دواج دختران به عنوان یک مهم به باور نانوشته در ذهن افراد آن تبدیل شده بود به ناگهان با چالشی جدید مواجه می شوم؟ چالش کاهش گرایش به ازدواج که این روزها آنقدر پررنگ شده که متخصصان و دولتمردان را به تفکر وتدبر واداشته است. حقیقت این است در گذشته های نه چندان دور، حق انتخاب فعالانه برای ازدواج در میان طیف ها و طبقات مختلف جامعه تنها از آن مرد ها بود بلکه این مرد ها و البته خانواده آنها بودند که عروس آینده را انتخاب می کردند و این خانواده داماد بود که برای ازدواج پیش قدم می شد. در چنین شرایطی حق انتخاب دختران تنها به انتخاب از میان خواستگاران محدود می شد. بی شک در جوامعی از این دست ناخود آگاه دختران باز مانده از ازدواج در معرض بر چسب های فاجعه باری قرار می گرفتند، چرا که مردم بر این باور بودند که مشک آن است که خود ببوید پس دختری که از دواج نکرده حتما عیوبی دارد که هیچ کس او را انتخاب نکرده است. قانون نانوشته در این شرایط مردانی را که با وجود خواستگاری های بسیار، همواره جواب رد می شنیدند و حتی در سنین بالا مجرد می ماندند را عاری از عیب و ایراد می دانست. به گونه ای که کمتر مردی در معرض انگ و بر چسب زنی اطرافیان قرار می گرفت. حال جای سؤال است که چه اتفاقی توانسته چنین جامعه ای را با کاهش گرایش به ازدواج و حتی تخرید قطعی خنران مواجه کند؟

دکتر مریم رسولیان رئیس انجمن علمی روانپزشکان ایران در پاسخ به این سؤال می گوید: رشد موقعیت و استقلال زنان جامعه امروزی در زمینه های اقتصادی و اجتماعی برای آنها ارمغانی به نام قدرت و « حق انتخاب» به همراه داشته است. به عبارت دیگر زنانی که روزی برای تأمین معاش و امنیت زندگی وابسته به مرد یا

آیا فضای مجازی در افزایش آمار تخرید قطعی مقصر است؟

مهسا قوی قلب
خبرنگار

در طول تاریخ همواره سبک زندگی در حال تغییر و تحول بوده و هر کدام از این تغییرات به گونه ای زندگی انسان ها را تحت تأثیر قرار می دهد، این ماجرا صرفا به امروز باز نمی گردد، قطعاً ورود تکنولوژی در سبک زندگی تأثیر می گذارد. باز شدن پای فضای مجازی به زندگی هم نکات مثبت دارد و هم نکات منفی. ولی سؤال اینجاست که آیا بالا رفتن آمار تخرید قطعی و گرایش به تشکیل ندادن زندگی مشترک، به دلیل این است که پای فضای مجازی به زندگی ها باز شده است؟

یک روان شناس و محقق علوم رفتاری در این باره به «ایران» می گوید: امروز با شرایط جدیدی روبه رو هستیم، نمی توان اسم معضل را روی ورود تکنولوژی گذاشت، بلکه به نظر می آید با شرایط جدید در زندگی ها به وعذایی الیم از شبکه های اجتماعی حرف می زنند باید با دیدی منطقی به این مقوله نگاه کنیم، منکر اشکالات آن نمی توان شد اما نمی توانیم ورود تکنولوژی را مقصر صدرصد بدانیم. با نگاه تخصصی در ابتدا باید بفهمیم این فضاها و شبکه های اجتماعی و رویکردهایی که در این حوزه وجود دارد با زندگی ما چه می کند.

دکتر مصطفی فروتن با اشاره به این که اساس وجود تکنولوژی تسطیح و تسهیل زندگی ها است اما متأسفانه رویکردهای منفی دیگری هم دارد، می افزاید: از رویکردهای منفی ورود شبکه های اجتماعی می توانیم به تغییر در الگوی ازدواج، بالا رفتن سن ازدواج، تغییر در استانداردها و سبک زندگی اشاره کنیم، البته یکی از مهمترین تغییراتی که این درگاه های اطلاعاتی مدرن در زندگی ها به

باز به دنبال نقطه ضعفی که مانع ازدواج او شده بگیردیم اما واقعیت این است که کسب استقلال مالی و موقعیت اجتماعی و به دنبال آن قدرت انتخاب برای زنان باعث می شود دیگر فقط انتخاب مرد مناسب برای ازدواج از میان گزینه های متعدد مطرح نباشد بلکه انتخابی به مراتب مهم تر مطرح می شود و آن این است که آیا فرد اصلا تمایل به ازدواج دارد یا اینکه تصمیم می گیرد برای همیشه مجرد باقی بماند.

تخرید بهتر است یا تاهل

هنگامی که امکان انتخاب از میان الگوهای مختلف زندگی مطرح می شود بحث مجردی بهتر است یا متاهلی؟ بسیار پررنگ می شود و نمود بیشتری می یابد. غیبه خوردن بسیاری از متاهلان به زندگی مجردی در مقابل نوع نگرش مجردان به زندگی یک فرد متاهل می تواند کفه های یک ترازو را تشکیل دهد. این روانپزشک وضعیت سنگینی کفه های این ترازو را توضیح می دهد: نمی توانیم بگوییم در زندگی یک الگوی رفتاری سالم و درست است و الگویی دیگر نادرست و مشکل آفرین، چرا که اصلا انسان ها بسته به شرایط، سلایق و ارزش های خود انتخاب های متفاوتی را انجام می دهند بنابراین برای رد یا پذیرفتن هر الگویی باید همه جوانب بررسی شود؛ تنها در این صورت است که می توانیم در مورد درست یا نادرست بودن آن الگو اظهار نظر کنیم. اما مهمترین شرط در سلامت روان این است که افراد توانایی خود

را تشخیص داده؛ با استرس های معمول زندگی کنار بیایند و بتوانند به طور بهره مند و مؤثر کار کرده و به جامعه خود کمک کند از سوی دیگری یک الگوی رفتاری سالم این است که فرد بتواند با در پیش گرفتن آن از زندگی برای ازدواج از میان گزینه های متعدد مطرح نباشد بلکه انتخابی به مراتب مهم تر مطرح می شود و آن این است که آیا فرد اصلا تمایل به ازدواج دارد یا اینکه تصمیم می گیرد برای همیشه مجرد باقی بماند.

از سوی دیگر به میزان ارتقای کارکرد شخصیتی و روانی افراد، امکان تعامل آنها با اطرافیان مهیا می شود. هنگامی که فردی تعامل بهتری با دیگران دارد می تواند با آنها زندگی بهتر و توأم با سازگاری داشته باشد. نتیجه این امر افزایش احتمال ازدواج وی خواهد بود. در توضیح این موضوع می توان گفت: چنین فردی می تواند احساس دیگران را بهتر درک کند و در مقابل حس بهتری به آنها منتقل کند، اطرافیان را دوست بدارد و از سوی آنها دوست داشته شود. همه این مجموعه باعث ایجاد رابطه ای صمیمانه بین او و اطرافیان می شود که در نهایت به ازدواج منجر خواهد شد.

چرا ازدواج؟

برای یافتن دلیل تمایل برخی از افراد جامعه به مجرد ماندن ابتدا به بررسی دلایل ازدواج می پردازیم. دکتر رسولیان معتقد است: دلیل مهم و احساسی ازدواج بر خصوص در میان جوانان، نیاز احساسی

و جنسی است. هیجان و احساس در میان این گروه از جامعه در بسیاری از موارد باعث تصمیم آنها به ازدواج می شود. وی می افزاید: نیازهای عاطفی و روانی و تمایل به رفع حس تنهایی دلیل دیگری است که باعث می شود افراد در سنین مختلف به ازدواج روی آورند؛ اینکه فردی در زندگی ما حضور داشته باشد که بتوانیم خوشی ها و ناخوشی های خود را با او به اشتراک گذاشته و مراحل مختلف زندگی را به همراه او پشت سر بگذاریم یکی از نیازهایی است که انسان ها را به سمت ازدواج سوق می دهد.

تأمین معاش زندگی و داشتن سرپناه عامل دیگری است که هنوز بسیاری از زنان را به سمت ازدواج و حتی ازدواج های موقت هدایت می کند. هدف های فرعی دیگری هم در این زمینه وجود دارد که خیلی هم عام نیست مانند افرادی که به دنبال کسب شهرت با افراد معروف و مشهور جامعه ازدواج می کنند و... به گفته این متخصص، هنگامی که جامعه به شرایطی می رسد که نیازهای فرد بدون ازدواج رسمی امکان برآورده شدن را می یابد طبیعتاً ازدواج رسمی کاهش می یابد.

می خواهم مجرد بمانم

ازدواج، شکلی رسمی و قانونی به تعهدات زن و مرد می بخشد به گونه ای که آنها متعهد به انجام برخی وظایف نسبت به یکدیگر خواهند بود. رئیس انجمن علمی روانپزشکان معتقد است همین تعهد رسمی یکی از عوامل گریز از ازدواج در جامعه کنونی است. وی تأکید می کند: در شرایطی که قوانین کشور تا حدودی به نفع مردان است قانونی شدن تعهدات می تواند یک رابطه برابر را به یک رابطه نابرابر تبدیل کند. یعنی رابطه قانونی و رسمی، حس کنترل و مداخله را در افراد تقویت کرده و افزایش می دهد.

این موضوع در دنیای امروزی که استقلال فردی از ارکان مهم و اساسی زندگی انسان ها محسوب می شود، خوشایند و قابل تحمل نیست. در واقع هنگامی که پای قانون به میان می آید هر دو طرف محدود می شوند در حالی که با ازدواج های موقت این افراد با داشتن رابطه ای شرعی و طولانی نسبت به یکدیگر متعهد می شوند اما محدود نمی شوند. به عبارت دیگر این دسته از افراد همان هایی هستند که بیرق مخالفت با ازدواج را در دست دارند در حالی که در عمل زندگی کاملاً شبیه ازدواج را تجربه می کنند البته با آزادی های بیشتر. این متخصص می افزاید: یکی دیگر از دلایل عمده تمایل به مجرد ماندن، دلایل فردی است؛ به این معنا که فرد پس از تجربه یک زندگی خانوادگی پر تنش و پر کشمکش ترجیح می دهد تنها زندگی کند اما آن تجربه بد را تکرار نکند. درون گرایی عاملی دیگر است که به افزایش تعداد مجردها دامن می زند. در حقیقت انسان های درون گرا نه تنها از برقراری ارتباط با دیگران لذت نمی برند بلکه تحمل حضور دیگران برای آنها سخت است. در بسیاری از موارد این افراد اگر ازدواج کنند نمی توانند رابطه عاطفی ایجاد کنند و زندگی مشترک و زیر یک سقف زندگی احساس نارضایتی را در آنها افزایش می دهد.

این وضعیت را به دنیای خارج هم تعمیم می دهد و در نهایت با مرور طعم تلخ شکست در ارتباطات مختلف در شبکه های اجتماعی کار به جایی می رسد که دخترها و پسر ها به سایرین به یک چشم آن هم با دیدی کاملاً منفی نگاه کنند. آنچه اهمیت فوق العاده ای در این رویداد دارد این است که با وجود فضاها ی مجازی، استانداردهای کاذبی در زندگی ایجاد می شود؛ به عنوان مثال در فضایی مانند اینستاگرام که آمار مخاطبان بسیار بالایی دارد، افراد با هر نوع تفریحی در صفحات خود پیام رسانی و خود اظهاری می کنند و استانداردهای زندگی خود را در این صفحات تزیین می کنند، به طور قطع زندگی های بی چارچوب و پایه و اساس که توسط (به قول معروف) شاخ های اینستاگرام گراند می شوند، هجمه های عاطفی و روانی بر فالوورهای این افراد وارد می کند. در نتیجه این امر، شخص نمی تواند مقیاس های درستی در ارتباط با افراد در دنیای مجازی و واقعی تعریف کند و ناخود آگاه استانداردهای زندگی افراد عوض می شود. شاخص هایی غیر واقعی که در دنیای حقیقی هیچگاه به حقیقت نمی پیوندند و افراد نمی توانند به یک زندگی مطلوب در واقعیت نزدیک شوند و تصمیم می گیرند که کاملاً از رابطه با جنس مخالف پرهیز کنند. البته هیچ نمی توانیم همه تقصیر ها را به گردن ورود تکنولوژی بیندازیم دقیقاً مثل این است که بخواهیم از تیغ و چاقو

فرار کنیم در حالی که می توانیم استفاده های بهینه ای از این اجسام داشته باشیم. باید به این باور برسیم که شبکه های اجتماعی به تنهایی باعث تمایل به تنها ماندن نمی شوند بلکه متغیرهایی وجود دارند که می توانند در تصمیم های افراد تأثیر گذار باشند.



مریم رسولیان: مهمترین چالش تخرید قطعی، ناپایداری رابطه یا تأخیر در ازدواج، نداشتن فرزند است. این افراد با وجود اینکه تحصیل کرده هستند و طبقه روشنفکر و فرهیخته جامعه را تشکیل می دهند در سنین بالا یا هنگام تجربه رابطه ای ناپایدار، تمایلی به فرزندآوری نخواهند داشت. این موضوع در طولانی مدت جامعه را در مقابل چالش هایی همچون سالمندی جامعه قرار خواهد داد

دارد، آزادی، قدرت انتخاب و اختیار خود را قربانی ازدواج کردن نخواهد کرد. رابطه های آزادی که وجه شرعی دارد اما قانونی نیست مانند صیغه بسیار مورد توجه این دسته از افراد قرار می گیرد.

اختلاف دیدگاه با خانواده هم موضوع بسیار مهمی است به گونه ای که بسیار دیده شده نبود توافق فرد با خانواده در انتخاب همسر باعث شده او تن به ازدواج ندهد.

تبغات تأخیر در ازدواج

رئیس انجمن علمی روانپزشکان ایران تأکید می کند: مهمترین چالش تخرید قطعی، ناپایداری رابطه یا تأخیر در ازدواج، نداشتن فرزند است. این افراد با وجود اینکه معمولاً تحصیل کرده و مستقل هستند و طبقه روشنفکر و فرهیخته جامعه را تشکیل می دهند در سنین بالا یا هنگام تجربه رابطه ای ناپایدار، تمایلی به فرزندآوری نخواهند داشت. این موضوع در طولانی مدت جامعه را در مقابل چالش هایی همچون سالمندی جامعه قرار خواهد داد.

بحث بعدی ساختارهای اجتماعی است به این معنا که زندگی ها به سمت فردی شدن و ایجاد خانه های تک نفره و خانواددهای یک نفره پیش خواهد رفت؛ خود به خود با افزایش خانواده های یک نفره میزان مشارکت در اداره زندگی کمتر خواهد شد. از این رو نه تنها مشاغل جدید ایجاد می شود بلکه در هنگام بیماری و سالمندی نیاز به خدمات اجتماعی افزایش می یابد؛ یعنی این دسته از افراد جامعه از خدمات عاطفی و رایگان بستگان محروم شده با مشکلاتی نظیر نارضایتی از زندگی و جامعه مواجه خواهند شد.

دکتر رسولیان با اشاره به اینکه تصمیم به تخرید بیشتر در سنین ۳۵ تا ۴۵ سالگی گرفته می شود، بیان می کند: این سنین اوج شکوفایی زندگی اجتماعی و اقتصادی افراد است از این رو فردی اگر نیازتسبیل روابط اجتماعی مناسبی هم داشته باشد تنها نخواهد ماند از این رو از انتخاب خود برای مجرد ماندن راضی خواهد بود. اما دهه ۶۰ و به بعد با نزدیکی خود گفتگو کند و نرسیدن به خواسته او در معرض تجربه احساس بازنده بودن قرار می دهد در حالی که اگر به خواسته اش برسد هم ممکن است طرف مقابل او راضی نگردد و این تجربه برای او تبدیل می شود. به همین جهت درصد زیادی از این افراد در سنین کهنسالی از انتخاب خود خیلی هم راضی نگرداندند البته برخی از افرادی که از انتخاب خود راضی نگرداند هم ممکن است از انتخاب راضی نباشند و از زندگی خود احساس رضایت مندی نداشته نباشند.

مصطفی فروتن: نوجوانان و جوانان، به عنوان افراد فعال در شبکه های اجتماعی، از سنین پایین باید آگاهی خود را بالا ببرند تا این فضاها نتوانند در زندگی و آینده و در نهایت ارتباط با سایرین خللی ایجاد کنند و آنها را به جایی برسانند که به تنهایی و تخرید قطعی روی آورند



و ناکامی در آن جوان اجتناب ناپذیر است، پس در اولین قدم باید گروه های حکمتی فکری اساسی کنند. در کنار تمامی این توصیه ها آموزش مهارت های زندگی در ادوار مختلف و نه صرفاً در دوران جوانی به هم باید خواهند قرار داد، این امر وظیفه آموزش و پرورش در دولت ها است. گروه خانواده دومین گروهی است که در زندگی هر فرد مؤثر است، باید بیاوریم برخی رفتارها و عملکردهای مرتبط با سلامت روان در خانواده آموزش داده می شود، به عنوان مثال فرزندان باید رویکردهای حل مسأله و بیرون رفت از مسأله در مواجهه با دیگران را یاد بگیرند تا بتوانند راحت تر با اطرافیان ارتباط بگیرند.

فروتن، خود فرد را به عنوان آخرین گروه مؤثر در برقراری ارتباط با سایرین می داند و توضیح می دهد: نوجوانان و جوانان، به عنوان افراد فعال در شبکه های اجتماعی، از سنین پایین باید آگاهی خود را بالا ببرند تا این فضاها نتوانند در زندگی و آینده و در نهایت ارتباط با سایرین خللی ایجاد کنند و آنها را به جایی برسانند که به تنهایی و تخرید قطعی روی آورند.